

**بقلم : م. ک بهادر اکمار**

**منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچلا «2024-06-29»**

**برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .**

## روسیه درس هایی از دموکراسی دارد

*Russia has some lessons in democracy*



**ولادیمیر پوتین**، رئیس جمهور روسیه، 80 سالگی «**گنادی زیوگانف**»، رئیس حزب کمونیست روسیه را با دریافت عنوان قهرمان کار، مسکو، 26 ژوئن 2024 تبریک گفت

. ما اخیراً شاهد این منظره رفت انگیز بودیم که حتی پس از 7 دهه استقلال و تجربه به عنوان یک دموکراسی که در آن صدها میلیون نفر واقعاً احساس قدرت می کردند و یا که میکنند، پس آیا که نخبگان سیاسی می توانند در چرخه انتخابات به شیوه ای کودکانه رفتار کنند. ???

اما قبلاً اینطور نبود. مرحوم پدرم عادت داشت به یاد بیاورد که چگونه **پوندیت نهرو** به عنوان نخست وزیر به سمت نمایندگان مجلس کمونیست در تالار مرکزی می رفت تا با هم گفتگو کنند. این در دهه های 1950 و 1960 بود، زمانی که پدرم عضو لوک سبها بود.

وقتی در مطبوعات روسیه در مورد ژست خارق العاده رئیس جمهور ولادیمیر پوتین به دبیر کل حزب کمونیست روسیه «**گنادی زیوگانف**» در هشتمین سالگرد تولد او در 26 ژوئن خواندم، این خاطره از اتاق زیر شیروانی ویا از اعماق ذهنم بیرون آمد.

**پوتین** با امضای فرمان اجرایی ریاست جمهوری مبنی بر اعطای عنوان قهرمان کار فدراسیون روسیه به رهبر ارجمند کمونیست، از **زیوگانف** تجلیل کرد.

در این فرمان آمده است که این جایزه "به خاطر سهم برجسته او یعنی **زیوگانف** در توسعه دولت روسیه، جامعه مدنی و کار مفید طولانی مدت او" است. **پوتین** پیام تبریک شخصی خود را به **زیوگانف** ادامه داد که در بخشی از آن به شرح زیر بود:

شما به عنوان یک سیاستمدار با تجربه و یک فرد صادق و اصولگرا و فداکار برای منافع میهن شناخته می شوید.

«شما در زندگی عمومی کشور غوطه ور می شوید و در تلاش برای حمایت از اصول عدالت اجتماعی، ایفای سهمی مهم در کار قانونگذاری و پارلمانی روسیه و پرداختن به موضوعات مهم ملی هستید. به ویژه، من ما یلم از تلاش های شما برای بهبود رفاه مردم و تقویت حاکمیت و موقعیت کشور ما در سطح بین المللی قدردانی کنم. چنین فعالیت های چندوجهی و بسیار مورد نیاز، شایسته احترام عمیق است.»

برای شما آرزوی سلامتی، موفقیت در اجرای برنامه هایتان و بهترین ها را دارم.

"یک بار دیگر، لطفاً تبریکی صمیمانه من را برای اعطای عنوان عالی قهرمان کار فدراسیون روسیه بپذیرید."

بعداً **پوتین** از **زیوگانف** در کرملین پذیرایی کرد. در قرائت کرملین آمده است: "رئیس جمهور از رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه به خاطر خدمات چندین ساله او به میهن تشکر کرد و خاطر نشان کرد که حزب او همواره از مواضع میهن پرستانه دفاع کرده است." [ این موضوع تأکیداً اضافه شده است. ]

این کلمات با دقت انتخاب شده بودند. در واقع، **زیوگانف** مردی با اعتقادات قوی است و هرگز در بیان مواضع خود در مورد مسائل سیاسی از طریق نظرات عمومی، بیانیه های مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری و سابقه رای خود دریغ نکرد. اما عشق بی وقفه او به وطن هرگز مورد تردید نبود.

او اغلباً با **پوتین** مخالف بود. اما دومی یعنی **پوتین** هرگز آن را به دل نگرفت. در طول دهه 1980، **زیوگائف**، یکی از اعضای حزب کمونیست روسیه، حتی برنامه اصلاحات «گلاسنوست» و «پرسترویکا» دبیر کل **میخائیل گورباچف** را زیر پا گذاشت.

ممکن است پارادوکس به نظر برسد، اما کمونیست های خوب در واقع ناسیونالیست های بزرگ می سازند. **زیوگائف** با دخالت غرب در سوریه مخالفت کرد و از عملیات نظامی ویژه روسیه در اوکراین حمایت کرد و **نا تو** را به طرح هایی برای «برده کردن اوکراین» برای ایجاد «تهدیدهای حیاتی برای امنیت روسیه» متهم کرد. او فراخوان **پوتین** را برای «غیره نظامی سازی و غیر نظامی سازی» اوکراین تأیید کرد.

**زیوگائف** زمانی در مقاله ای در نیویورک تایمز نوشت: «ما قدرت دولت روسیه و موقعیت آن را در جهان باز می گردانیم. این امر باعث می شود که سیاست های او به طور غیر قابل قیاسی قابل پیش بینی تر و مسئولانه تر از امروز باشد.» حالا، شاید بتوان گفت، این «**پوتینیسم**» بدون رنگ است. **زیوگائف** معتقد است که روسیه "نقش منحصر به فرد به عنوان محور و تکیه گاه" اوراسیا را بر عهده دارد.

جای تعجب نیست که **زیوگائف** با خصوصی سازی صنایع دولتی مخالفت کرد و متعهد شد که کنترل دولت بر اقتصاد را بازگرداند. اما با انحراف تازه از عقاید شوروی، کشاورزی را نیز به تمرکز اصلی حزب کمونیست تبدیل کرد، به ویژه عدم حمایت دولت از مناطق روستایی.

این به اعتبار **پوتین** است که او هیچ ابایی از وام گرفتن از سکوی **زیوگائف** نداشته است، و این نکته را ضروری می داند که با او مشورت کند، از توصیه های او استفاده کند، در حالی که روسیه را بی شرمانه به سمت کشوری سرمایه داری هدایت می کند که با سوسیالیسم تمام شده است.

جالب اینجاست که **زیوگائف** همچنین از این موضوع حمایت می کند که روسیه با یاد از نمونه موفق **چین** درس بگیرد و سوسیالیسم روسی را بسازد. او یک بار اعضای حزب را به خواندن آثار منتخب **دنگ شیائوپینگ** تشویق کرد. و او مدعی است که اگر کشورش زودتر از موفقیت **چین** درس می گرفت، اتحاد جماهیر شوروی منحل نمی شد.

با نگاهی به گذشته، بهترین لحظه **زیوگائف** در اواسط دهه 1990 اتفاق افتاد، زمانی که روسی، خسته و سرخورده از شوک و هیبت **بوریس یلتسین** به سمت بازار آزاد و سرمایه داری، که زندگی بخش های وسیعی از جامعه را که به یک زندگی سرپناه و قابل پیش بینی عادت کرده بودند، ویران کرد. مردم در انتخابات ریاست جمهوری 1996 به حزب کمونیست هجوم آوردند.

در واقع، نامزدی **زیوگانف** به حدی افزایش یافت که تقریباً به نظر می‌رسید روسیه در حال بازپس‌گیری سوسیا لیسم است در آن زمان، **بیل کلینتون** با مرد هم‌راه خود **استروب آلبوت** روز جمعه، به مسکو رفت. **کلینتون** آنچه را که در مسکو دید نگران شده بود، وقتی به واشنگتن بازگشت نقشه راه را برای تضمین پیروزی **یلتسین** ترسیم کرد، تا جایی که حتی به دور صندوق بین‌المللی پول طناب زد، **کلینتون** کارشناسان ماهر آمریکایی را به عنوان مدیران مبارزات انتخاباتی **یلتسین** که به خوبی در روند انتخابات دموکراتیک «zen» یعنی مهارت و آشنا داشتند، به کار گرفت یا که گمارید. بقیه‌اش تاریخ است.

اما **زیوگانف** هرگز کینه یا تلخی نشان نداد. در واقع، او هرگز منصب دولتی نداشت. اما پس از آن، او می‌تواند با رضایت به گذشته نگاه کند که در 80 سالگی او را به عنوان شخصیت برجسته در سیاست روسیه می‌بینند - در حالی که شهرت **یلتسین** به شدت در معرض تخریب است.

بهر صورت سوال بزرگ این است که دموکراسی چیست؟ آیا دموکراسی در مورد برگزاری هر چه منظم انتخابات است یا چطور؟ من به عنوان بخشی از گروهی از ناظران به مدت یک هفته به ایران سفر کردم تا شاهد برگزاری نظرسنجی فوری در روز جمعه باشم. تنها چیزی که بیش از همه برایم جالب بود، لیست شش نفره نامزدی برای ریاست جمهوری ایران بود که شورای نگهبان بر اساس پایبندی یک نامزد احتمالی به ایدئولوژی ملی و نظام حکومتی که ایران پس از انقلاب پرفراز و نشیب اسلامی انتخاب کرد، با دقت تهیه کرد. 1979.

این روند ظریف شاید بازتابی از ذهن «اسلامی فاسی شیعیه» باشد، اما زمانی که شش نامزد (که شامل یک روحانی می‌شوند) معرفی شوند، شرایط مساوی پیش می‌آید. چیزی در حدود نیم دوجین مناظره تلویزیونی برای اطمینان از آشنایی مردم با نامزدها انجام شد. این که فقط هم‌نوازان اجازه دارند در انتخابات ایران شرکت کنند، حقایق واهی است.

تنظیم روسای جمهور سفارشی تقریباً غیرممکن است. تجربه نشان می‌دهد که برخی از آنها هنگامی که به مقامات عالی انتخاب شدند، رفتارهایی مانند **توماس بکت** داشتند، که پس از رسیدن به اسقف اعظم کانتربری، شغل خود را برای راحتی پادشاه هنری دوم بسیار جدی گرفت. البته چنین مبارزاتی حماسی هرگز به خوشی ختم نمی‌شود.

درسوی دیگر، نوع عجیبی است که برای «کثرت‌گرایی سیاسی» در ایالات متحده تصویب شده است. یکی از کاندیداهای 81 ساله و دیگری 78 ساله و هر دو وسواس زیادی به تهمت زدن علیه یکدیگر داشتند. بهترین گزینه **ترامپ** این است که **بایدن** "کج کمزور و سالخورده" به نظر می‌رسد، در حالی که حرف دومی این است که حریفش به طور مادرزادی ناقص و ناراست است.

کاندیدای سوم رابرت **کندی جونیور**، اگرچه مردی با ایده و تفکر تازه است - یا به همین دلیل، در بحث ملی در مورد این ادعا که او یک "نامزد مستقل" است، ارزشی ندارد!

بهر صورت این خود نتیجه یک واقعیت نمایشی از ورشکستگی نظام سیاسی آمریکا است. چه تصادفی و یا نه، پوتین در همان روزی که ترامپ و بایدن به نام کثرت گرایی دموکراتیک، تنبل ترین ها را تجربه کردند، پوتین افتخار ملی را به زیوگا نف داد.

-----**با تقدیم احترامات** «2024-06-30»

.....